

دکتر تیموتی اینسل

باستان‌شناسی وادیان جهانی

مجید خانلری

با نوشتاری از دکتر حکمت‌الله ملاً صالحی
پیرامون باستان‌شناسی دین



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه



دکتر تیموتی اینسل
(متولد ۱۹۶۷ م.)

استاد باستان‌شناسی در دانشکده باستان‌شناسی و
استاد تاریخ هنر دانشگاه منچستر، انگلستان

از دیگر آثار او:

باستان‌شناسی اسلام (۱۹۹۶)

باستان‌شناسی، آیین، دین (۲۰۰۴)

فهرست

یادداشت مؤلف برای ترجمه فارسی.....	۱۷
یادداشت مترجم.....	۱۹
گفتاری دربارهٔ باستان‌شناسی دین.....	۲۳
فصل اول : درآمد: باستان‌شناسی و ادیان جهانی.....	۳۳
تعاریف و اهداف.....	۳۳
رویکردی به باستان‌شناسی ادیان جهانی؟.....	۳۵
رویکردهای سلبی به باستان‌شناسی و ادیان جهانی.....	۴۵
رویکردهای اثباتی به باستان‌شناسی و ادیان جهانی.....	۵۴
فصل‌های مستقل.....	۶۳
فصل دوم : باستان‌شناسی دین هندو.....	۸۱
مقدمه. اختلاف در برداشت: غرب در مواجهه با هندوی عامل به فرایض.....	۸۱
مسئلهٔ محدودیت رویکرد باستان‌شناختی.....	۸۳
مدارک باستان‌شناختی مناسک، نمادها و خدایان شناخته شده.....	۸۴
مضامین مدارک باستان‌شناختی.....	۱۰۳
فضای مقدس و استمرار. ابعاد فضای مقدس در نواحی غیرشهری هند.....	۱۰۶
فضای مقدس و باستان‌شناسی.....	۱۰۹
متغیرهای ورای رشد و استمرار یک مرکز زیارتی مهم: واراناسی باستانی.....	۱۱۱
نتیجه‌گیری.....	۱۱۳
فصل سوم : باستان‌شناسی دین بودایی.....	۱۱۹
مقدمه.....	۱۱۹
زندگی بودا: یک روایت متنی.....	۱۲۲
زندگی بودا: روایتی باستان‌شناختی.....	۱۲۵

۱۳۱	مروری بر گونه‌شناسی یادمان‌های بودایی
۱۳۳	استوپا
۱۳۸	گریها
۱۴۱	ویهارا
۱۴۵	مورد پژوهی‌ها
۱۵۴	نتیجه‌گیری: به سوی باستان‌شناسی دین بودایی
۱۷۱	فصل چهارم : باستان‌شناسی یهودیت
۱۷۱	مقدمه
۱۷۲	کنیسه‌ها
۱۸۲	آداب تدفین یهودی
۱۹۰	شمایل‌نگاری و نمادآفرینی
۱۹۷	کتیبه‌ها
۱۹۹	بقایای غذایی
۲۰۰	محیط سنتی خانه
۲۰۱	نتیجه‌گیری
۲۰۷	فصل پنجم : باستان‌شناسی اسلام
۲۰۷	مقدمه
۲۰۸	اسلام؛ یگانگی و چندگونگی
۲۱۰	مسجد
۲۱۵	آداب تدفین مسلمانان
۲۱۷	برنامه غذایی مسلمان
۲۲۰	محیط سنتی خانه
۲۲۵	محیط جامعه
۲۲۹	مورد پژوهی: مسجد و گورستان کمبریج
۲۳۴	نتیجه‌گیری
۲۴۳	فصل ششم : باستان‌شناسی مسیحیت در چشم‌انداز جهانی
۲۴۳	مقدمه
۲۴۵	رویکردهای باستان‌شناختی به مطالعه مسیحیت
۲۴۷	تفسیر آداب تدفین و شمایل‌نگاری مسیحی
۲۴۹	مبلغان مسیحی، تغییر دین، و «استعمار فکری»
۲۵۸	کلیساها و باستان‌شناسی «آیین»

۲۶۴	تغییر شکل فضای مقدس.....
۲۷۱	رهبانیت و زیارت.....
۲۷۶	زمان و پیدایش یک کانون مسیحی.....
۲۷۸	نتیجه گیری.....
۲۹۱	فصل هفتم : اخلاق و باستان‌شناسی ادیان جهانی.....
۲۹۱	مقدمه.....
۲۹۱	مذهب، باستان‌شناسی و تقدس.....
۲۹۷	مورد پژوهی‌ها.....
۳۰۲	نتیجه گیری.....
۳۰۷	فصل هشتم : جنسیت در باستان‌شناسی ادیان جهانی.....
۳۰۷	مقدمه.....
۳۰۸	جنسیت و دین جهانی.....
۳۱۰	جنسیت و باستان‌شناسی ادیان جهانی.....
۳۱۵	خداها و خدا بانوها/ خدا بانوها و خداها.....
۳۱۷	نتیجه گیری.....
۳۲۵	فصل نهم : مرگ، هستی و زمان: بافت تاریخی ادیان جهانی.....
۳۲۵	مقدمه.....
۳۲۶	فناوری‌های عقیده.....
۳۲۸	نظریه‌های دوران ویکتوریایی درباره خاستگاه و تکامل مذهب.....
۳۳۲	مرگ، هستی و زمان.....
۳۳۴	مفاهیم متغیر ماوراءالطبیعه در پنج‌هزار سال گذشته.....
۳۳۵	جستجوی نامیرایی در زمین.....
۳۳۹	پیدایش ادیان جهانی.....
۳۴۱	پیدایش باورهای دنیامدار.....
۳۴۳	نتیجه گیری.....
۳۵۱	نمایه.....

گفتاری درباره باستان‌شناسی دین

حضور فعال و پرتنش و تناقض‌آمیز دین بر صحنه رخداد‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه منقلب و ملتهب معاصر ما، طی دهه‌های اخیر هم رونق گرفتن بازار مکاره طیف گسترده‌ای از منادیان و مدعیان سنت‌ها و باورهای دینی را در محافل فکری، فلسفی، حوزوی، کلامی و روشنفکری میهن ما در پی داشته، هم آن‌که اهل ذوق و قلم و نویسندگان و مترجمان حرفه‌ای و ناخره‌ای کشور ما را به سمت ترجمه متون و منابع دینی اعم از فلسفی و کلامی و یزدان‌شناختی و تاریخی و علمی از زبان‌های دیگر به فارسی رانده و کشانده است. به رغم همه موانع موجود و دشواری‌های بر سر راه، کوره بحث‌ها و مناقشه‌ها و نقدها و تحلیل‌ها درباره هستی و چیستی دین و دینداری و حقانیت و حقیقت مدعیات دینی و کارآمدی دین در ارائه راه‌حل‌های مناسب و عملی برای معضلات و مسائل موجود فکری و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور، همچنان شعله‌ور و فروزان و فعال است.

طی دهه‌های گذشته، به ویژه در سه دهه اخیر، شاهد ترجمه آثار مهمی از پایه‌گذاران مطالعات دینی مدرن از زبان‌های آلمانی، فرانسه، انگلیسی و برخی زبان‌های زنده دیگر جهان از حوزه‌های فلسفه، یزدان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، پدیدارشناسی، اسطوره‌شناسی، و تاریخ تطبیقی ادیان به زبان فارسی بوده‌ایم. در حوزه باستان‌شناسی دین یا نظام‌های آیینی و اعتقادی فرهنگ‌ها و جوامع مرده و مفقود گذشته ترجمه‌ها بسیار کم‌شمار و پراکنده

بوده است. مفهوم باستان‌شناسی دین چونان یک رویکرد و روش پژوهش مشخص دربارهٔ دین و نظام‌های اعتقادی حتی در خاستگاه غربی‌اش چندان جا افتاده نیست. مناقشه و اختلاف نظر و ابهام بر سر بنیه و توان‌مآیهٔ معرفتی باستان‌شناسی در شناخت باورها و نظام‌های اعتقادی مفقود و تجربه‌های آیینی منسوخ و مردهٔ فرهنگ‌ها و جوامع مدفون گذشته در میان باستان‌شناسان هم‌چنان به قوت خود باقی است.

پشتوانه‌ها و بنیان‌های نظری و مرزها و منطقه‌های موضوعی و حدود روش‌شناختی و اهدافی را که رویکرد و یا احیاناً رویکردهای باستان‌شناسی به ادیان اکنون و گذشته و موجود و منسوخ دنبال کرده و باستان‌شناسان نشانه گرفته‌اند هنوز مشخص و روشن نیست. بحث‌ها و اختلاف نظرهای جدی در محافل باستان‌شناسی هم‌چنان ادامه دارد. حتی برخی مشرب‌های باستان‌شناسی خصوصاً از جنس و تبار مشرب‌های پوزیتیویسمی یا اثبات‌گرا و تجربی‌محور اساساً تلاش برای ورود به سرزمین‌های خشکیده و نفتیدهٔ تجربه‌ها و باورهای دینی مفقود و نظام‌های اعتقادی متروک و سنت‌های آیینی منسوخ و فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و جمعیت‌های مرده و مدفون گذشته را بیهوده، غیرعلمی و عملی پنداشته و به مشرب‌های دیگر نیز توصیه می‌کنند که سرمایهٔ اندیشه و عمر خود را بر سر اهداف دست‌نیافتنی و غیرعملی و پرکردن مغاک‌های پرناشدنی و ورطه‌های عبورناپذیر به هدر ندهند و هزینه نکنند.

البته ممکن است پرسیده شود مگر داوری‌ها و معرفت و فهم ما دربارهٔ همین ادیان و مذاهب و فرقه‌های دینی و نظام‌های اعتقادی و ارزشی فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و گروه‌های اعتقادی زنده و راه و رسم دینداری و ماهیت و حقیقت و حقانیت ایمان متدینان و متشرعان و معتقدان به آموزه‌های دینی عصری که خود در آن زندگی می‌کنیم تا چه میزان راست و سازگار و موافق با واقعیت بوده است که با کلنگ و دلو باستان‌شناسی در سر سودای کاویدن و کشف و بازسازی و تبیین نظام‌های اعتقادی و ارزشی مرده و آیین‌های مدفون و باورهای مفقود گذشته را داریم؟ اساساً چه حاجت و ضرورت به ریختن سرمایهٔ اندیشه و هزینه کردن عمر به پای موضوعات و مقولاتی که نه به تور تجربه می‌آیند و نه آن‌که در ترازوی خرد و منطق می‌توان نهاد و سنجیدشان! تجربه را معیار قرار

دهید و هر آنچه با خرد تجربی و منطق تجربه ما از واقعیت سازگار نیامد مهمل اعلامش کنید تا هم راه معرفت از واقعیت هموار گردد و هم کار بر پژوهشگر آسان شود و بیهوده در دام موضوعات تجربه‌ناپذیر و گزاره‌های مهمل و متناقض گرفتار نیاید! این مدعیات و آموزه‌های سده نوزدهمی در برخی محافل باستان‌شناسی و مشرب‌های از جنس اثبات‌گرا و علم‌زده هم‌چنان به قوت خود باقی است.

واقعیت این است که در حوزه نظر و معرفت حصولی، نسبت، رابطه، حس، حالت، آگاهی، تجربه دینی و یا تسامحاً هر نام و عنوان دیگری را که می‌خواهید بر پیشانی آن حک کنید از جنس پیچیده، تناقض‌آمیز و سرگیجه‌آورترین رویدادها در فرآیند تاریخ و فرهنگ مردمان در همه جوامع و دوره‌ها بوده است. انسان دین‌باور و مؤمن و عامل و فاعل به آموزه‌های دینی بر صحنه ایمان خویش ایستاده و هر جا که پای آزمونی در میان بوده جان بر سر ایمانش نهاده است. تاریخ تجربه‌های دینی و زندگی متدینان و مؤمنان راستین گرانبار از پیکارهای سخت و سنگین در دفاع و صیانت از آرمان‌ها و ارزش‌ها و آموزه‌ها و باورهای دینی است. وارد منطقه‌های مسئله‌خیز و پرمناقشه و بحث‌انگیز نظر که شده‌ایم هم چهره دیگری از واقعیت را تجربه کرده‌ایم هم جنس دیگری از معرفت متفاوت از ایمان متدینان را استخراج کرده و به کف آورده‌ایم.

به دیگر سخن، حیات دینی متدینان و پدیدارهای دینی در منظر عالمان و مورخان دقیقاً همان چیزی نیست که در چشم و دل پیروان این یا آن دین. دست کم در دوره جدید چنین بوده است. مطالعات دینی دوره جدید به رغم دستاوردهای بی‌سابقه‌اش بیش از هر دوره دیگری با چنین تناقضی دست و پنجه فشرده است. فاصله و فراقی که میان دین در میدان عمل و دین در عرصه نظر در دوره جدید افتاده مرحله به مرحله عمیق‌تر نیز شده است. مطالعات دینی مدرن هم‌چنان فارغ از آن تجربه‌های زنده و مشاهدات و مکاشفات گرم و ژرف و شورمندانه رخدادهای درون دین و ایمان متدینان سعی می‌ورزد چونان ناظری بی‌طرف و مشاهده‌گری راست‌کیش از بیرون به درون تجربه‌های دینی رخنه کرده و دست به وصف بیرونی و درونی تجربه‌ها و مشاهدات و مکاشفات باطنی و حیات روحانی مدعیات رازآمیز دینی مؤمنان و متدینان زده

و در ترازوی نظر پدیدارهای دینی را بسنجد و از منطقه‌ها و جغرافیای پر دامنه محسوسات جزئی و تنوع و تکثر و تلون و تفاوت آموزه‌ها و نظام‌های اعتقادی و مناسک و شعائر دینی عبور کرده و به مقولات و معقولات کلی و وحدت اندام‌وار معماری دین چونان یک ساختار مشخص نایل آید. البته در منطقه‌ها و جغرافیای مه گرفته و افق‌های ناپیدا و سرزمین‌های صعب‌العبور به غایت تفتیده و لایه‌های خشکیده و منجمد و مرده باستان‌شناسی دین و نظام‌های آیینی و سنت‌ها و فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و جمعیت‌های مدفون و مفقود گذشته کار به مراتب پیچیده، دشوار و کاستی‌ها و ناکامی‌ها بسیار محسوس‌تر و بازار مکاره حدسیات و فرضیات و جعلیات و عرضه و تقاضای فرآورده‌های علمی و عرفی مرغوب و نامرغوب پر رونق‌تر و کوره مناقشه‌ها داغ‌تر بوده است. مسئله در این بازار مکاره پر آمد و شد هنگامی بغرنج و سرگیجه‌آورتر شده که ابزارهای لازم و کارآمد نیز در بیرون راندن و پیراستن باستان‌شناسی دین از تصورات و توهمات و تحریفات و جعلیات انواع شبه‌باستان‌شناسی‌های رایج و فعال بر صحنه در اختیار نبوده است.

به هر رو، تاریخ اندیشه، گرانبار از بحث‌ها و مناقشه‌ها و نقدها و داوری‌های سخت و سنگین و بی‌پایان موافق و مخالف درباره دین و ماهیت نسبت دینی و راستی و درستی و اصالت آموزه‌هایی است که دین‌باوران و منادیان آموزه‌های دینی مدعی آن بوده‌اند. باستان‌شناسی دین و رویکردهای باستان‌شناختی به ادیان ادوار تاریخی و پیش از تاریخی عرصه جدیدی است که عالمان دین روزگار ما در آن گام نهاده‌اند. باستان‌شناسی ادیان و نظام‌های آیینی منسوخ و مفقود گذشته در قیاس با حوزه‌های دیگر دین‌شناسی و پژوهش در نظام‌های اعتقادی زنده و فعال و جاری از همه نوین‌ها، مبهم، مه‌آلود، پیچیده، سؤال‌خیز، جدال‌افکن، تناقض‌آمیز، دلربا و وسوسه‌انگیزتر بوده است.

باستان‌شناسی از جمله دانش‌هایی است که خود بیش از رشته‌ها و دانش‌های هم‌تبارش از کشمکش‌ها و تناقض‌های درونی رنج برده است. داده‌ها و دستاوردهای باستان‌شناسی نیز همواره در معرض سوء استفاده‌های ریز و درشت خاص و عام بوده است. با این‌همه، این دانش نوین‌ها و فرآورده تحولات علمی و فنی و تناقض‌های نهان و آشکار اندیشه و عقلانیت و ارزش‌های

مدرنیته، نه تنها از درگیر شدن و دست و پنجه نرم کردن با کام‌ها و ناکامی‌های معرفتی و موانع بر سر راه مایوس نشده بلکه هر بار مصمم و آزموده و آماده‌تر از پیش وارد شکارگاه‌های ناشناخته‌تر و صید دام‌های افسانه‌ای‌تر نیز شده است. نظام‌های آیینی و ادراکی و ارزشی مفقود گذشته از جمله شکارگاه‌های به غایت صعب‌العبور و خاراگین جدیدی است که طی دهه‌های اخیر باستان‌شناسان گام در آن نهاده‌اند.

در فرهنگ‌ها و جوامع ابتدایی، دین چونان رویین اسفندیار، مردمان را در برابر حوادث طبیعی به لحاظ روحی تقویت و محافظت می‌کرده است. انسجام و اقتدار معنوی دین و نیروی اعجاز‌انگیز تجربه‌های دینی مردمان و افق‌هایی را که دین از مراتب متعالی‌تر هستی از الوهیت و امر مقدس به روی گروه‌ها و جمعیت‌های انسانی می‌گشوده و سرشت رازآلود، روحانی و باطنی مشاهدات و مکاشفات دینی بشر عهد باستان تدریجاً کلام و زبان و گفتمان خاصی را با نظامی از اصطلاحات، مفاهیم، مضامین، منابع و متون دینی پدید آورد که در «غیریت» و یا «دگربودگی» (otherness) شان هیچ حوزه دیگری از تجربه، حتی انتزاعی‌ترین مشرب‌های فلسفی و متافیزیکی، را نمی‌توان با آن هم‌سنگ دانست. غیریت و یا دگربودگی پیکره مفهومی آموزه‌های دینی و سرشت فراسویی و ماورائی و رازآلود و باطنی تجربه‌های آیینی فرهنگ‌ها و غنای زبان رمزی و استعاره‌ای و تمثلی دین نقش فوق‌العاده تعیین‌کننده در فرآیند تفکر و ظهور فرقه‌ها و نحله‌ها و مشرب‌ها و مرام‌های فکری اعم از حکمی و کلامی و فلسفی و عرفانی داشته است. در عرصه تفکر و ذوق و ذائقه زیباشناختی و کنش‌های خلاق و منش هنرمندانگی مردمان نیز سهم دین متناقض و پیچیده بوده است. به هر روی، هستی و چیستی دین و ماهیت و اصالت تجربه‌های دینی دستمایه فکری جدی و دستاویز مناقشه‌ها و مباحث پایان‌ناپذیر برای متفکران و مورخان و اهل دانش و نظر در دوره‌های مختلف بوده است.

در این میان باستان‌شناسان با جنس دیگری از منابع در نقد و تحلیل تجربه‌ها و رفتارهای دینی مردمان دست و پنجه فشرده‌اند که بسیار گنگ و مبهم‌تر از منابع کلامی و متون زبانی بوده است. ماده‌های آیینی یا شواهد مادی مورد مشاهده و مطالعه باستان‌شناسی خود به تنهایی چیزی از هویت آیینی و

فحاوی تجربه‌های دینی مردمان گذشته را بر ما آشکار نمی‌کنند. تشخیص هویت آیینی و تفسیر معانی و فحاوی دینی مندرج و مندمج در آنها اغلب دشوار و در پاره‌ای موارد اساساً امکان‌پذیر نبوده است. در دوره‌های تاریخی که منابع مکمل به ویژه زبان گفتار و نوشتار ماده‌های فرهنگی را همراهی کرده‌اند تشخیص هویت آیینی و رمزگشایی و معناکاوی و تفسیر و تأویل داده‌های مشهود به بوده‌های مفقود و ارجاع آثار و بقایای محسوس و مکشوف به عاملان و فاعلان غایب دشواری‌ها و مناقشه‌های کمتری را در پی داشته است.

باستان‌شناسان طی دهه‌های اخیر برای کاستن دشواری‌ها و برگرفتن موانع از سر راه سعی کرده‌اند مطالعات باستان‌شناسی ادیان و آیین‌ها و نظام‌های ادراکی و فکری و اعتقادی و ارزشی مفقود گذشته را ساماندهی کرده و به جای کوفتن بر طبل یأس با بهره‌گرفتن از تجربیات و دستاوردهای حوزه‌ها و رشته‌های دیگر دین‌پژوهی خصوصاً منابع و اطلاعاتی را که رشته‌ها و دانش‌های دیگر انسانی و علوم ادراکی در اختیار آنها قرار داده‌اند بر وثاقت و اعتبار معرفتی رویکرد باستان‌شناسی به دین بیفزایند و از صعبی راهی که در آن گام نهاده‌اند اندکی بکاهند. حرکتی که در محافل باستان‌شناسی جوامع غربی آغاز شده و با فراز و فرودهای قابل پیش‌بینی هم‌چنان در میان حجم سنگینی از مسئله‌ها و معماها و حدسیات و فرضیات ریز و درشت و زیر آواری از ماده‌های فرهنگی و بقایای باستان‌شناختی سخت و سنگین گام بر می‌گیرد و ره می‌سپارد. دهه به دهه نیز بر شمار کتاب‌ها و مقاله‌ها و مجله‌ها و همایش‌ها و مباحث مطرح پیرامون دین و شواهد آیینی و معناکاوی و تفسیر و تقریر معانی و فحاوی مندرج در ماده‌های آیینی و بازسازی و تبیین نظام‌های اعتقادی مفقود و غایب گذشته و مشهود و حاضر افزوده شده است.

مجموعه حاضر از جمله نمونه‌های مهم در همین رابطه و زمینه است. این مجموعه حاصل گردهم‌آیی است که در سال ۱۹۹۸ در کمبریج با موضوع «باستان‌شناسی و ادیان جهانی» برگزار شد. مراد از ادیان جهانی در مجموعه حاضر ادیان یهودی و مسیحی و هندو و بودایی و اسلام است. ویراستار کتاب، تیموتی اینسل، خود از باستان‌شناسان شناخته شده در حوزه مطالعات دینی با آثار فراوان است. پژوهشگرانی که مقالات آنها در این مجموعه از محضر

خواننده‌گرمی می‌گذرد همه از چهره‌های بنام در عرصه‌ی باستان‌شناسی دین هستند. زبان اصلی کتاب به انگلیسی است. ترجمه‌ی آن به فارسی از زبان انگلیسی بوده است. کتاب «باستان‌شناسی و ادیان جهانی» از نه مقاله در نه فصل فراهم آمده است. سه مقاله‌ی آخر کتاب سرشتی نظری داشته و بیشتر به جنبه‌های نظری در حوزه‌ی مطالعات باستان‌شناسی دین می‌پردازند که بر غنای کتاب افزوده است. مقاله‌ها هم طیف گسترده‌ای از موضوعات متنوع را از منظر باستان‌شناسی دین شامل می‌شوند هم آن‌که گسترده، تفصیلی و تحلیلی ارائه شده‌اند، به همین دلیل نیز یک فصل به هر یک اختصاص داده شده است.

نگاه به دین در همه‌ی مقالات، باستان‌شناسانه و مبتنی بر خاستگاه‌های فکری و نظام دانایی مدرن و روش‌شناسی تجربی جدید است. با توجه به سرشت بازیگرانه و همدلانه‌ی تجربه‌های دینی فرهنگ‌ها که پیروان و متدینان به آموزه‌های دینی را همیشه به حضور فعال و شورمندانه و گرم و صمیمانه بر صحنه‌ی ایمان خویش فراخوانده است، هر نگاه بیرونی و تماشاگرانه به رابطه، معرفت، فهم و تجربه‌ی دینی از هستی، از جهان و واقعیت‌های آن از جنس خاص خود بوده و از سنخ موضوعی نیست که می‌شناسد؛ این همان تناقضی است که نگاه منفی و تشکیکی و یا سوء ظن شماری از پژوهشگران را به توان‌مایه‌های باستان‌شناسی به طور اخص و رشته‌ها و دانش‌های دیگر به طریق اولی در ورود به لایه‌ها و زیرلایه‌های باطنی، نهان، روحانی، متعالی و رازآمیزتر مشاهدات و مکاشفات دینی دین‌باوران و تجربه‌های دینی به دنبال داشته است. در پیش‌گفتار تفصیلی کتاب، تیموتی اینسل به پاره‌ای از همین موارد اشاره کرده است. هزارتوی دیدالی و رازورزی‌های مشاهدات و مکاشفات عمیق و به غایت روحانی، مرزی، هستی‌شناختی، متعالی، فراسویی و ماورائی دین و تجربه‌های دینی متدینان چیزی نیست که به سهولت و یا اساساً به مشاهده‌کننده و ناظر بی‌طرف و صرفاً تماشاگر صحنه مجال ورود به نهانگاه‌ها و آشیانه‌های بکر و افق‌های ناپیدایشان را بدهد.

ماده‌های آیینی که باستان‌شناسان بیش‌تر با آن درگیر هستند در قیاس با لایه‌ی آموزه‌های کلامی که در رأس معماری هرم دین و لایه‌ی رفتاری که در میانه‌ی هرم جای می‌گیرد کالبد مادی و محسوس و ملموس دین را شامل می‌شوند و در قاعده‌ی

هرم قرار می‌گیرند. کالبد و پیکره مادی دین باز نمود و آشکارگی محسوس همه تجربه‌های دینی در میان فرهنگ‌ها و جامعه‌ها در ادوار مختلف بوده است. مطالعه، نقد و تحلیل مناسبت‌های گسترده، بنیادین، چندسویه و متقابل میان لایه کالبد مادی دین و تجربه‌های دینی با دولایه دیگر از جمله اهداف مهمی است که باستان‌شناسی دین دنبال می‌کند. کالبد مادی دین که سه متغیر «زمان»، «مکان» و «شیء» آیینی را شامل می‌شود هم متنوع و متکثرتر از دو لایه رفتاری و آموزه‌ای دین در فرآیند تاریخ و حیات تجربه‌های دینی و کنش‌های آیینی مردمان بیان و باز نموده شده است هم آن‌که حجم سنگینی از ذخایر اطلاعاتی و معرفتی را درباره هستی و چیستی دین به‌طور ملموس و عینی و قابل دسترس از دوره‌های مختلف در درون خود جای داده است. بخش اعظم مقالات کتاب حاضر، خواننده را با اطلاعات متنوع و موثقی که با رویکرد و به طریق باستان‌شناختی از لایه و پیکر کالبد مادی دین می‌توان برکشید و استخراج کرد آشنا می‌کند. برای هر مورخ، متفکر، عالم و پژوهشگری که در سر سودای دستیابی به فهمی واقعی و مطمئن‌تر از تجربه‌های دینی مردمان در میان فرهنگ‌ها و جوامع مختلف را دارد توجه به هر سه لایه «آموزه‌ای کلامی»، «رفتاری یا مناسکی شعائری» و «کالبد مادی» معماری هرم دین چونان قلمرو مستقلی از تجربه ضروری است. نویسندگان مجموعه مقالات کتاب حاضر در همین طریق گام نهاده و ره سپرده‌اند.

ترجمه کتاب را آقای مجید خانلری با قلم توانای خود به انجام رسانده‌اند که دانش‌آموخته رشته باستان‌شناسی هستند و با زیر و بم‌های ادبیات و فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم باستان‌شناسی نیز آشنایی کافی دارند. یک سال پیش که یک نسخه از ترجمه کتاب را ایشان برای آگاهی از نظر نگارنده به دفتر گروه آوردند با استقبال و تشویق گرم ما مواجه شدند. البته آن استقبال و تشویق صرفاً زبانی نبود و به تعارفات دوستانه نیز محدود نشد. متن ترجمه شده کتاب به فارسی چند بار خوانده و ویرایش‌ها و پیرایش‌هایی بر آن اعمال شد. مقالات کتاب به دلیل آن‌که یک‌دست و یک‌سطح نیستند و هر نویسنده‌ای سبک نگارش و سیاق بیان خاص خود را در مقاله اعمال کرده، کار را تا حدی بر مترجم فارسی کتاب دشوار کرده است. با این‌همه، متن فارسی کتاب تا حدی روان و

تلاش شده به متن اصلی وفادار بماند و حدود امانت‌داری را مراعات کند. اگر کاستی‌ها و لغزش‌هایی در ترجمهٔ فارسی هست، که بی‌تردید هم هست، با دقت و تذکر دوستان قابل تصحیح، اعمال و جبران است. گام در راه نهادن و اراده و عزم ره سپردن در کوره‌پیچ‌های دشوار را کردن و افتادن و برخاستن و با دشواری‌ها درگیر شدن و دست و پنجه فشردن عیب نیست. از میدان‌گریختن و حریفان را در عرصهٔ پیکار سرزنش کردن و دل‌آزردن و آیت یأس در گوش دیگران خواندن گناه بزرگ و عیب جان‌کاهی است و درست‌تر این است که از افتادن در دامشان پرهیز شود.

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۱۳۸۹/۰۱/۱۱

فصل اول درآمد: باستان‌شناسی و ادیان جهانی

تعاریف و اهداف

باستان‌شناسی ادیان جهانی موضوعی گسترده است. دشوار بتوان آن را در تألیفی شامل نه فصل، که سه فصل آن مباحثی کوتاه‌تر است، تشریح کرد. این تألیف نمی‌خواهد فراگیر باشد بلکه می‌خواهد ارتباط باستان‌شناسی را با آنچه امروز ادیان جهانی نامیده می‌شود، بررسی کند؛ البته با تمرکز بر یهودیت، اسلام، مسیحیت، دین هندو و دین بودایی، و کمکی که باستان‌شناسی می‌تواند در مطالعه ادیان یاد شده برساند. چنین هدفی، برخی پرسش‌ها را نیز دامن می‌زند. نخست آن‌که چرا ادیان جهانی؟ هر چند در مطالعات باستان‌شناختی عناصر دین جهانی، در «جریان اصلی» ادبیات باستان‌شناسی کاستی وجود ندارد، اما خلئی میان بررسی کلی ادیان جهانی و باستان‌شناسی دیده می‌شود (یک استثنای قابل ذکر اما کهنه شده کتابی به همین عنوان است [فینگان، ۱۹۵۲] که شاید اثری جامع باشد اما اکنون زمانش سپری شده است). هم‌چنین به دلیل فزونی پژوهش‌های باستان‌شناختی مسیحیت، عدم توازن در جریان اصلی باستان‌شناسی (دست کم در رابطه با موضوع این مقدمه) وجود دارد (برای مثال بنگرید به: فرند، ۱۹۹۶؛ پلات، ۱۹۸۷؛ بلر و پیرا، ۱۹۹۶)، که شاید به دلیل کارهای عمدتاً انجام شده در اروپاست که مرکز بسیاری از نشریات و بنگاه‌های انتشاراتی باستان‌شناسی نیز هست. بر همین اساس، برای انتشار دستاوردها یا پژوهش‌های مناسب در زمینه باستان‌شناسی اسلام، دین هندو، دین بودایی، یا

یهودیت، در نشریات و سایر کتاب‌های تخصصی تمایل و اشتیاق وجود دارد، و روند اصلاح این عدم توازن آغاز شده است (برای مثال بنگرید به: بارنز، ۱۹۹۵؛ اینسل، ۱۹۹۹a).

دوم، ممکن است پرسیده شود چرا این ادیان؟ گزینش این ادیان حاکی از ویژه بودن آنها نیست بلکه صرفاً برخاسته از علایق نویسندگان این مجموعه است. سوم آن‌که یک دین جهانی از چه عناصری تشکیل شده است؟ این در واقع چیزی است که در ادبیات باستان‌شناسی اغلب از آن غفلت شده است. آیا جهانی بودن یک دین به خاطر شمار پیروان است؟ یا گستردگی جغرافیایی؟ یا قدمت؟ آیا به خاطر وحدت در نظر و عمل است؟ یا به خاطر فراگیر بودنش و مناسب بودن برای نوع بشر از دیدگاه پیروان آن (سافر، ۱۹۶۷)؟ و سرانجام آیا به مناسبت وجود یک ایدئولوژی رستگاری است، یا به دلیل داشتن متون مقدس مکتوب (بووی، ۲۰۰۰: ۲۶)؟ و آیا به دلیل همه این موارد و یا برخی و یا هیچ‌یک از این‌ها یا حتی به خاطر معیارهای دیگری که می‌توان فهرست کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها، همچون خود آنها پیچیده است و در واقع منوط به پاسخ این پرسش است که خود دین چیست؟ و این موضوعی برای «بحث‌های ظاهراً بی‌پایان» (کلارک و بایرن، ۱۹۹۳: ۶) است. می‌توان به تعاریف ساده‌شده دین در لغت‌نامه‌های مهم و معتبر مراجعه کرد (برای مثال بنگرید به: رنفرو [۱۹۹۴: ۴۸]، اما چنین تعاریفی چنان کلی هستند که کمتر قابل استفاده‌اند.

ما این‌جا در پی پیشنهاد پاسخی به این پرسش نیستیم، اما تعریف اخیر دوران (۲۰۰۰: ۵۹) را سودمندتر از دیگر تعاریف می‌بینیم که دین را «نظامی از اعمال عمومی و گروهی که احکام (آیین) آن را شکل می‌دهند و معمولاً باورها را تحت تأثیر ترکیبی از ذهنیت‌ها و تمایلات بیان می‌کنند» تعریف می‌کند. علاوه بر این، تلاش برای تمایز دقیق دین از یکی از طبقه‌بندی‌های مورد علاقه باستان‌شناسان، یعنی آیین، بسیار مهم است. در حقیقت، کوشش برای تعریف ادیان جهانی یا خود دین/آیین فراتر از محدوده‌های این فصل مقدماتی، و کتاب حاضر است و به آن نمی‌پردازم. شاید این امر، راحت‌طلبی پنداشته شود اما نگارنده از آن پشیمان نیست و تنها باید یادآور شوم که با عنایت به ادیان انتخاب‌شده، گستره جغرافیایی و در نتیجه بقایای گسترده باستان‌شناختی، این

پنج دین پیوند ضعیفی با هم دارند. در مباحث کتاب حاضر، باستان‌شناسی محور اصلی است و یافته‌هایی از یهودیت در فلسطین و دیاسپرا [دور از سرزمین]، دین هندو و دین بودایی در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اخیراً در مناطق دیگر جهان، اسلام در محدودهٔ دنیای مسلمانان که از مراکش در غرب تا اندونزی در شرق و حتی در سراسر جهان گسترده است، و سرانجام مسیحیت که همچون اسلام در همهٔ قاره‌ها حضور دارد، بررسی می‌شود.

ممکن است پرسیده شود جدای از تعاریف، این فصل چه چیزی را بیان می‌کند؟ باید گفت، نخست، در پی ارائهٔ یک ساختار مناسب پژوهشی برای باستان‌شناسی ادیان جهانی است؛ خواه مطالعهٔ باستان‌شناختی این ادیان جهانی از توانایی استفادهٔ گسترده از روش‌شناسی‌ها و نظریات دیگر رشته‌ها، به ویژه تاریخ ادیان، برخوردار باشد، خواه از رویکردهای نظری برگرفته از چنین منابعی بهرهٔ اندک ببرد. و دیگر آن‌که، در پی رویکردهایی است که برای باستان‌شناسی ادیان جهانی اقتباس می‌شود. این رویکردها بار دیگر تبیین می‌شوند، هر چند با این شرط که از محدودهٔ ده هزار کلمه‌ای تجاوز نشود این تبیین جامع نخواهد بود.

رویکردی به باستان‌شناسی ادیان جهانی؟

رویکردهای باستان‌شناختی به ادیان، دست کم در بریتانیا، پراکندگی محسوسی دارند، و تا اندازه‌ای موردی هستند، چونان موضوعی که هرازگاه ضرورت توجه به آن احساس شده، و تلاش‌ها در بررسی رویکردهای فراگیر به مطالعهٔ باستان‌شناختی دین چندان جدی نبوده است. برای مثال، گاهی کنفرانس‌هایی با محوریت باستان‌شناسی و دین برگزار شده است، که از میان آنها به گردهم‌آیی *مقدس و نامقدس در آکسفورد* (گاروود و همکاران، ۱۹۹۱) می‌توان اشاره کرد، یا گردهم‌آیی که در کمبریج در ۱۹۹۸ برگزار شد و مقالات کتاب حاضر حاصل آن است (بنگرید به: اینسل، ۱۹۹۹b). دیگر نمونه‌های رویکردها به باستان‌شناسی و دین در جریان اصلی باستان‌شناسی، خارج از قالب گردهم‌آیی قرار می‌گیرند و متنوع‌اند، که یکی از مشهورترین این‌ها «نردبان استنباط» کریستوفر هاوک است که در آن آیین/دین به‌عنوان یکی از دور از دسترس‌ترین